فصلنامه علمی ـ پژوهشی اندیشهٔ نوین دینی
سال سوم، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۸۶
صفحات۹ - ۲۲

ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI
A Quarterly Research Journal
Vol. 3, No. 11, Winter 2008

مبانی نظریه معجزه انگاری اخلاق نبوی

احد فرامرز قراملکی*

علی مظهر قراملکی**

چکیده:

«اخلاق، معجزه دوم نبوی است»؛ این نظریه جدیدی است که یکی از اسلام‌پژوهان معاصر ارایه کرده است. این نظریه، اخلاق رسول خدا(ص) را برحسب مفهوم‌سازی رایج از معجزه در منابع کلامی، معجزه می‌داند که در میان معجزه‌های پیامبر(ص) منزلتی فروتر از قرآن و فراتر از سایر معجزات آن حضرت دارد. این معجزه مانند قرآن، خاص پیامبر اسلام(ص) است و برخلاف قرآن، فعل باری تعالی نیست، بلکه فعل یداللهی نبی است. این نظریه به دلیل اهمیت و تأثیر ژرفی که بر فهم ما از نبوت و دین دارد، محتاج تحلیل مبانی و نقد لوازم و شناخت آثار و نتایج آن است. مقاله حاضر، نخستین مطالعه‌ای است که دیدگاه یاد شده را به عنوان نظریه‌ای قابل دفاع، مورد تحلیل و نقد قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: معجزه، اخلاق رسول خدا(ص)، مکارم اخلاق، اخلاق کاربردی.

---

* استاد فلسفه و مدیر گروه اخلاق حرفه‌ای دانشگاه تهران.
** استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران.
تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۶/۳

۱ـ طرح مسأله

تردیدی نیست که دعوت به اخلاق، حتی اخلاق مشاغل، جایگاه زیرساختی و مهمی در آموزه‌های قرآنی و سیره نظری و عملی رسول خدا(ص) و ایمه اطهار(ع) دارد و همین امر، منشأ نگارش متون فراوان و باارزش اخلاق اسلامی با رهیافت درون‌دینی و مأثور در تاریخ اسلام شده است. (ر.ک: احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۵) به دلیل همین بهره‌مندی از میراث گرانقدر قرآن و سنت، در جوامع روایی و فقهی، قبل از ورود به احکام و فقهِ مشاغل از آداب و اخلاق مشاغل سخن به میان می‌آید.[۱] در این امر هم تردیدی نیست که رسول گرامی خدا(ص) در مسند رهبری جامعه و به عنوان دعوت‌کننده به ارزش‌ها و اخلاق در تعامل اجتماعی، خود به رعایت اخلاق در همه ابعاد رفتاری، پای‌بند بوده است. آن حضرت جهت‌گیری بعثت خود را اتمام مکارم اخلاق می‌دانند (قمی، ۱۴۱۶ : ۱، ۴۱۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۳: ۴، ۲) و خود به عنوان اسوه نیکویی در رفتار و اخلاق معرفی می‌شود. (احزاب، ۲۱) آنچه بیان شد، امروزه از باورهای بدیهی و غیرمحتاج به دلیل است و همه اسلام‌پژوهان و مورخان بی‌غرض در آن هم‌داستانند.

بحث جدیدی که به منزله یک مسأله نو، قابل طرح است هویت و منزلت اخلاق نبوی در نگرش کلامی است. اخلاق نبوی در امر نبوت چه جایگاهی دارد؟ آیا متخلق بودن نبی، همانند سایر فضایل و اوصاف کمالی اوست؟ نظریه معجزه‌انگاری اخلاق نبوی، برای نخستین بار چنین مسأله‌ای را طرح می‌کند و به آن چنین پاسخ می‌دهد که جایگاه اخلاق نبوی در امر نبوت، در حدّ جایگاه معجزات اوست؛ اخلاق رسول خدا(ص) معجزه اوست، معجزه‌ای فروتر از قرآن و فراتر از سایر معجزه‌ها.

نگاه به اخلاق نبوی به عنوان معجزه پیامبر(ص) نگرش نوینی است که علی‌رغم سادگی ظاهری، تأثیر ژرف و آثار پیچیده‌ای را در پی دارد و از این دیدگاه، به حق

---

۱. مانند ***وسایل‌الشیعه*** شیخ حر عاملی و ***جواهرالکلام*** محمد حسن نجفی.

می‌توان به عنوان یک نظریه مؤثر نام برد. این نظریه را دکتر احمد بهشتی اولین بـار در مقاله ***«اخلاق، معجزه دوم نبوی»*** طرح کرد (بهشـتی، ۱۳۸۷: ۱۵۷) و سـپس تفصـیل آن را به صورت گفتاری ارایه کرد. امیدواریم چالش‌ها و نقدهای علمی، زمینـه را بـرای بسط و تکمیل این نظریه هموار کند. صاحب این نظریـه در گفتمـان صـدرایی تربیـت یافته است و یکی از ویژگی‌های ایـن گفتمـان، پرهیـز از حصـرگرایی روش‌شـناختی و توجه به همه گستره‌های معرفتی در حوزه الاهیـات اسـت. بـه همـین دلیـل، صـاحب نظریه، متخصص فقه و اصول، فلسفه و کلام اسلامی، دارای مطالعات مستمر در تعلـیم و تربیت اسلامی، تاریخ اسلام، تفسیر و حدیث است.

این نظریه چیست و چرا معجزه‌انگاری اخلاق نبوی را نظریـه مـی‌دانـیم؟ آیـا ایـن نظریه از سازگاری درونی بهره‌مند است؟ لوازم منطقی، آثار معرفتـی و نتـایج عملـی و کاربردی آن چیست؟ این نظریه بر کدام مبانی استوار اسـت؟ پاسـخ بـه ایـن مسـایل، مسبوق به گزارش اجمالی از این نظریه است.

۲ـ گزارش نظریه

متکلمان، معجزات رسول خدا(ص) را بر دو قسم می‌دانند، در حالی‌که صاحب نظریـه، آنها را بر سه قسم می‌داند: ۱. قرآن؛ ۲. اخلاق؛ ۳. سایر معجزات.

درباره معجزه بودن قرآن، مقطعی نبودن آن و اینکـه بایـد معجـزه نخسـت نبـوی دانسته شود، اختلافی نیست. گفتگو در این است که آیا می‌تـوان اخـلاق نبـوی را بـه عنوان معجزه مطرح کرد یا نه؟ در صورتی که پاسخ سؤال، مثبت باشـد، سـؤال دیگـر این است که آیا اخلاق نبوی، معجزه‌ای همتای قرآن است یا همتای چنـدین معجـزه-ای که در احادیث و تواریخ نقل شده است یا حد وسط میان قرآن و سایر معجزات کـه در این صورت، باید در وصف آن به عنوان «معجزه دوم نبوی» سخن گفت.

قرآن نه کلام پیامبر و نه فعل بی‌واسطه یا با واسطه خداوند، که کلام خداوند است و سایر معجزات، فعل بلاواسطه پیـامبر و بـه اذن خداونـد هسـتند. نظیـر ایـن قبیـل

کارهای خارق‌العاده را پیامبران سلف و امامان خلف نیز تحقق بخشیده‌اند. احیای مردگان، إخبار از غیب و یا استجابت دعاها، کار عادی پیامبران و امامان معصوم بوده است، ولی آوردن قرآن برای هیچ پیامبر و امامی مقدور نبوده است. حال اگر اخلاق نبوی، معجزه و از قسم نخست باشد، کار خداست و اگر از قسم سوم باشد، کار پیامبر و به اذن خداست؛ در این صورت باید معجزات نبوی را دو قسم کرد و اخلاق را در قسم نخست یا قسم سوم قرار داد.

دلیل اینکه اخلاق، معجزه‌ای از قسم نخست نیست این است که قرآن، کلام خدا و انزال آن فعل خداست، ولی اخلاق، فعل پیامبر و به تأیید خداست، اینکه از قسم سوم نیست، به خاطر این است که شبیه این قسم را هم پیامبران سلف و هم امامان خلف آورده‌اند، ولی بسیار دشوار است که کسی ادعا کند آنها در اخلاق، همتای پیامبر بوده‌اند. اگر چنین باشد، ناگزیریم اخلاق نبوی را در ردیف معجزاتی قرار دهیم که هم به نیروی یداللهی انبیا صورت یافته است و هم امامان معصوم.

مدعا این است که اخلاق نبوی با وحی نبوی هم وجه مفارقت دارد و هم وجه مشابهت. وجه مفارقت این است که وحی نبوی، فعل خدا و اخلاق نبوی، فعل پیامبر است. وجه مشابهت هم این است که اخلاق نبوی، همچون وحی نبوی، ویژه مقام خاتمیت است و انبیا و اوصیای سلف و خلف به آن مقام نرسیده‌اند و امامان معصوم هم شاگرد و پیرو اویند، نه مربی و رهبر او.

بر همین قیاس، اخلاق نبوی با سایر معجزات نیز وجه مفارقت و وجه مشابهت دارد. وجه مفارقت این است که معجزه اخلاق نبوی، مانند قرآن در توان انبیای سلف و امامان خلف نیست و وجه مشابهت هم این است که به خاطر عدم معاصرت و مجالست، باید با مراجعه به آیات، روایات معتبر و تاریخ مستند، جلوه‌های این‌گونه معجزات را مطالعه و ملاحظه کنیم. بنابراین ناگزیریم قرآن را معجزه نخست نبوی و اخلاق را معجزه دوم و معجزات دیگر را به عنوان معجزه سوم مطرح کنیم. ما برای اثبات این مدّعا، ادلّه و شواهدی داریم که برای نمونه کلام شیخ طوسی (م.۴۶۰) را

مطرح می‌کنیم. وی در تعریف معجزه می‌گوید: معجزه کاری است کـه راسـتگو بـودن کسی که آن کار به دستش آشکار می‌گردد را برساند و ویـژه همـو باشـد... معجِـز بـه کسی می‌گویند که دیگری را ناتوان گرداند، مانند توانا گردانیدن نبـی و البتـه موجـود بلا آغاز... این ویژگی را دارد که بتواند دیگری را ناتوان یا توانا گرداند. وی ـ که در علّـو مقامش شکّی نیست ـ چند شرط برای معجزه ذکر می‌کند:

۱. معجزه باید به عنوان اینکه منسوب به خداست، از همه چیز برتر باشد.

۲. باید شکننده روش همیشگی باشد.

۳. تکرار آن برای انسان‌ها مقدور نباشد.

۴. برای راستگو بودن آورنده آن، صورت بگیرد. (بهشتی، ۱۳۸۷: ۱۵۷)

۳ـ روش‌شناسی نظریه

مهم‌ترین ویژگی‌های این نظریه عبارتند از:

۳-۱- نظریه معجزه‌انگاری اخلاق نبوی اساساً یک نظریه کلامـی اسـت. متکلمـان پس از تعریف نبی، به بحث تشخیص نبی از متنبّی می‌پردازند و غالبـاً معجـزه را یـک ملاک ایجابی می‌دانند. آنان در مباحث نبوت خاصه، از معجزات پیامبر اسلام(ص) نیـز یاد می‌کنند ولی در میان آثار کلامی شیعه و سنی، تاکنون از اخلاق نبـوی بـه عنـوان یک معجزه، سخن نرفته است یا حداقل نگارنـده از چنـین منبعـی اطـلاع نـدارد. بـه همین دلیل این دیدگاه را می‌توان نظریه کلامی جدیدی دانست. متکلمـان، معجـزات را غالباً به دو گروه معجزه موجود در زمان ما و معجزه منقـول بـه تـواتر و یـا اشـتهار، تقسیم می‌کنند. قرآن مجید از گروه نخست است و گروه دوم، سایر معجزات را شامل می‌شود. (حلی، ۱۴۲۴: ۱۷۲) صاحب نظریه، قسـم سـومی را نشـان مـی‌دهـد کـه از طرفی مانند قسم دوم، محتاج مطالعه تاریخی اسـت، امـا ماننـد قسـم نخسـت خـاص پیامبر اسلام(ص) است.

عده‌ای به نقش معجزه‌گونه خُلق کریم پیامبر اشاره کرده‌اند، اما آنان مفهوم کلامی

کلمه معجزه را به کار نمی‌برند. به عنوان مثال، مولوی در تحلیل علل اقبال و ادبار انبیا، از زبان حال پیامبر گرامی اسلام(ص) بیان می‌کند که چرا علی‌رغم برهان‌ها و خُلق کریم او از وی روی برتافتند و بدگمان شدند.

صد گمانت بود در پیغمبریم با چنین برهان و این خلق کریم

(مولوی،۱۳۸۶: دفتر ۲، بیت ۲۰۳۷)

مولوی در موضعی دیگر، با توسعی که در مفهوم معجزه می‌دهد نه تنها خلق کریم و سیرت نبی، بلکه «روی» و «آواز» را نیز برای فرد بهره‌مند از روشنی وحی، معجزه می‌داند.

در دل هر امتی کز حق مزه است روی و آواز پیمبر معجزه است

(همان: بیت ۳۵۹۸)

۳-۲- این نظریه کلامی از موضع فعالانه طرح شده است. متکلمان در نظریه‌پردازی دو موضع دارند: موضع فعالانه و موضع انفعالانه. موضع انفعالانه، نظریه‌پردازی درمقام طرح و رد شبهات بر ضدّ آموزه‌های دینی است. غالب دیدگاه‌های متکلمان متأخر و به ویژه متکلمان مسلمان از چنین موضعی به میان آمده‌اند؛ امّا این نظریه از موضع انفعالی طرح نشده است و به عبارت دیگر، صاحب نظریه، آن را در مقام دفع شبهه‌ای بیان نکرده است و این نکته در فهم نظریه، مبانی و آثار آن اهمیت فراوانی دارد.

۳-۳- این نظریه به لحاظ ساختار محتوایی، سهل ممتنع است و در مواجهه نخست سخنی آسان‌یاب و به ظاهر بیّن و بدیهی می‌نماید، اما توجه به اینکه مراد صاحب نظریه از معجزه دقیقاً مفهوم اسلامی آن است و توسعی در اخلاق یا این واژه به کار نرفته است، دشواری ادعا را نمایان می‌سازد به گونه‌ای که فرد از موضع بیّن‌انگاری نخست به موضع تردید بلکه انکار می‌رسد. گویا اینکه یا باید مفهوم معجزه را توسع داد و یا مفهوم اخلاق را در خصوص نبی، به گونه دیگر تعریف کرد. نخستین سؤال در این مقام این است که این نظریه را با چه روشی می‌توان به دام آزمون

انداخت و در کدام ترازو می‌توان صحت و دقت آن را سنجید؟

۳-۴- آزمودن این نظریه با دو رهیافت ممکن است: **الف)** رهیافت درون‌دینی و مراجعه به آیات و روایات؛ **ب)** رهیافت برون‌دینی و مراجعه به تجربه تاریخی. می‌دانیم معجزه در مفهوم کلامی، فعل خارق‌العاده‌ای است که نبی پس از ادعای نبوت، آن را ارایه می‌کند. بنابراین، اگر اخلاق نبوی معجزه باشد، باید در آیات و روایات از آن به عنوان معجزه سخن رفته باشد. صاحب نظریه با چنین رهیافتی فرضیه خویش را آزموده و نتیجه را مثبت یافته است. یعنی وی این سؤال را که آیا اخلاق، معجزه دوم نبوی است، بر آیات و روایات عرضه کرده و صحت آن را نشان داده است. بنابراین با مراجعه به کتاب و سنت می‌توان به آزمودن مجدد این نظریه پرداخت. بررسی صحت استناد، استشهاد و دقت در تحلیل روایت از یک سو و جستجوی ادله قرآنی و روایی معارض از سوی دیگر، دو ابزار برای سنجش مجدد این نظریه هستند.

صاحب نظریه بر نیاز به بررسی تاریخی در خصوص این نظریه نیز وقوف دارد، اما بحث تفصیلی ارایه نمی‌کند. در تحلیل روش‌شناسی این نظریه، توجه به این نکته مهم است که روش آزمودن این نظریه، فقط بررسی اخلاق نبوی نیست، بلکه هویت معجزه‌ای آن در درجه نخست، و رتبه آن در میان سایر معجزه‌ها در درجه دوم، محتاج آزمون است، زیرا صرف اخلاق نبوی مفهوماً و اثباتاً از مبادی تصوری و تصدیقی این نظریه است، اما دو ادعای معجزه بودن و منزلت فروتر از قرآن و فراتر از سایر معجزات داشتن اخلاق نبوی، محتاج آزمون و اثبات روش‌مند است.

۴- تحلیل محتوایی نظریه

۴-۱- تحلیل مفهوم معجزه: صاحب نظریه، واژه معجزه را به معنای مصطلح و رایج متکلمان به کار می‌برد و به همین سبب، دیدگاه وی را نظریه می‌انگاریم. واژه معجزه در مفهوم رایج نزد متکلمان، در قرآن کاربرد ندارد، اما واژه قرآنی «آیه» در مواضع مختلفی بر این امر دلالت می‌کند. تعبیر «آیه» بر حیثیت «از اویی» (از خدایی) فعل

خارق‌العاده دلالت می‌کند. متکلمان برای تمایز معجزه از سایر آیات الاهی که همه، هویت «از اویی» دارند، بر جنبه ناتوان‌سازی منکران تأکید و لذا از تعبیر معجزه استفاده کرده‌اند.[1] در زبان لاتین هم از واژه(miracle) استفاده می‌کنند که بر خیره‌کنندگی و شگفت‌آوری دلالت می‌کند. در معجزات، هر سه ویژگی وجود دارد و این سه لفظ، ناظر بر سه حیثیت امر خارق‌العاده هستند. اخلاق نبوی، رفتار خارق‌العاده‌ای است که هم نشان از خدا دارد، هم شگفت‌آور است و هم سبب عجز منکران می‌شود.

آنچه در میان مقوّمات معجزه - برحسب اصطلاح متکلمان - در صدق آن بر اخلاق نبوی محتاج بررسی است، خارق‌العاده بودن آن است. خارق‌العاده بودن یک فعل را می‌توان مثل قرآن با تحدّی (مبارزه‌طلبی) آزمود؛ این بحث محتاج تحلیل مفهوم اخلاق نبوی است.

۴-۲- تحلیل مفهوم اخلاق نبوی: واژه اخلاق در اطلاق بر رفتار پیامبر گرامی اسلام(ص) در این نظریه چه مفهومی دارد؟ آیا اخلاقی بودن رفتار در اطلاقش بر رفتارهای انسان‌های دیگر و اطلاق آن بر رفتار پیامبر(ص) تمایز مفهومی دارد یا تمایز رتبی؟ این نظریه هم در معجزه‌انگاری اخلاق نبوی و هم در تعیین رتبه آن بین قرآن و سایر معجزات، محتاج تحلیلی از مفهوم اخلاق در اطلاق بر رفتار و منش پیامبر اسلام(ص) است.

رفتار اخلاقی در بشر، ریشه در توانایی خاص دارد که از آن به هوش هیجانی

---

۱. مولوی با اشاره به همین حیثیت است که در تحلیل کارکرد معجزه می‌گوید:

موجب ایمان نباشد معجزات — بوی جنسیت کند جذب صفات

معجزات از بهر قهر دشمن است — بوی جنسیت پی دل بردن است

قهر گردد دشمن اما دوست نی — دوست کی گردد به بسته گردنی؟

(مولوی،۱۳۸۶: ابیات ۱۱۷۶-۱۱۷۸)

(EQ) تعبیر می‌شود. حیوانات در مواجهه با معضلات از شیوه‌های هیجانی مانند گریز و ستیز استفاده می‌کنند. این دو شیوه هیجانی در آدمی، منشأ رفتارهای غیر اخلاقی همچون پرخاشگری، حسد، عداوت، ظلم و... است. خداوند به انسان‌ها هوش هیجانی عطا فرموده تا در مواجهه با مشکلات، هوشمندانه و مسؤولیت‌پذیرانه رفتار کنند و این توانایی، منشأ رفتار اخلاقی است. بنابراین صرف رفتار اخلاقی را نمی‌توان فعل خارق‌العاده‌ای دانست.

معجزه دانستن اخلاق نبوی، محتاج مفهوم‌سازی جدیدی از اخلاق نبوی است. صاحب نظریه با تفکیک مکارم اخلاق از محاسن اخلاق به این مفهوم نزدیک می‌شود. محاسن اخلاقی، افعال خارق‌العاده‌ای نیستند و برحسب توانایی و هوش هیجانی فرد بهره‌مند از محاسن اخلاقی، قابل تبیین هستند. بر این اساس، نظریه معجزه‌انگاری اخلاق نبوی بر درکی ژرف‌تر از اخلاق نبوی استوار است. لازمه سخن آن نیست که اخلاق را در بشر و در نبی به اشتراک لفظ بدانیم، زیرا چنین امری اساساً الگوی اخلاقی بودن نبی را از بین می‌برد. اخلاق در بشر و نبی می‌تواند مشترک، اما قابل تشکیک و دارای مراتب باشد. عالی‌ترین مرتبه اخلاق که می‌توان از آن به اتمام مکارم اخلاق تعبیر کرد، در دسترس بشر نیست مگر به وحی و تعلیم و تربیت الاهی. تأثیر تاریخی اخلاق نبوی، جنبه اعجاز آن را بیشتر نشان می‌دهد.

افراد با رسول خدا(ص) برحسب این گمان که او هم مانند سایر انسان‌ها رفتار می‌کند تعامل می‌کردند، اما واکنش‌های او نه تنها فراتر از واکنش‌های هیجانی بود بلکه واکنشی فرابشری می‌نمود و سبب جذب افراد می‌شد. اخلاق نبوی مانند برچسبی بود که گویی خداوند بر رفتار او زده است «و انّک لَعلَی خُلُقٍ عَظِیمٍ»(قلم، ۴) تا نشان دهد که او را خود فرستاده است و این مهم‌ترین جنبه اعجاز اخلاق نبوی است.

به همین دلیل صاحب نظریه تصریح می‌کند: «قطعاً اخلاق نبوی را باید اخلاق قدسی و الاهی بشماریم. اخلاق قدسی خدامحور و کمال‌طلب است». (بهشتی،

۱۳۸۷: ۱۵۹)

۵-آثار و نتایج نظریه

معجزه‌انگاری اخلاق نبی آثار فراوانی نیز دارد:

۵-۱- این انگاره جایگاه اخلاق در دعوت نبی را نشان می‌دهد. برحسب این باور که دعوت نبی سه‌گونه آموزه عمده فقهی، اخلاقی و اعتقادی دارد، سه دانش تنومند در تمدّن اسلامی تولد و رشد یافته است: فقه، کلام و اخلاق. پس از انقلاب اسلامی دو دانش فقه و کلام به نیازهای مخاطبان معاصر وحی توجه کردند و این سبب پویایی فقه و تجدد کلام گردید، اما علم اخلاق از حیث پاسخ به نیازهای امروزی در تعاملات اجتماعی به ویژه در عرصه‌های مختلف اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای توسعه نیافت. این نظریه می‌تواند ضرورت توسعه اخلاق اسلامی به ویژه در زمینه‌های حرفه‌ای را نشان دهد. در زمینه تحلیل ابعاد اخلاق نبی کمتر به پژوهش نظام‌مند پرداخته‌ایم، در حالی‌که چنین پژوهش‌هایی می‌تواند آثار فراوانی را در اخلاق فردی، اجتماعی، اقتصادی و... به ارمغان آورد. (ر.ک: دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵)

۵-۲- امروزه نیاز به اخلاق از مهم‌ترین نیازهای بشر شناخته شده است. جهانی شدن و خطرات و تهدیدهای ناشی از آن، این نکته را آشکار کرده است که تنها راه تبدیل تهدید جهانی شدن به فرصت، اخلاق جهانی است. علی‌رغم کثرت‌گرایی و نسبیت‌گرایی حاکم بر تفکر پست‌مدرنیستی روزگار ما، انسان‌ها در پی اخلاق واحد جهانی‌اند تا تعامل جهانی خود را در همه عرصه‌های فرهنگی و سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر اساس آن سامان دهند. (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲)

انسان‌ها در عصر جهانی شدن، محتاج اخلاق جهانی‌اند و اخلاق جهانی محتاج الگویی است که بتواند در سطح جهانی به این تشنگی پاسخ گوید. این الگو از طرفی باید در رفتار یک بشر تجلّی یابد تا قابل پیروی باشد و از طرفی باید فراتر از آنچه بشر خود با تجربه آن را یافته است، باشد. اخلاق نبوی به عنوان معجزه دوم رسول گرامی

اسلام(ص) نیاز بشر به اخلاق را پاسخ می‌دهد.

آنچه به عنوان «آرمان اخلاقی» در ادبیات معاصر جهان آرزو می‌شود از عدالت، انصاف، مساوات و...، همه را می‌توان در سیره عملی آن حضرت به نحو اتم نشان داد. این امر یعنی نشان دادن الگوی اتم برای آرمان‌های اخلاق جهانی، یکی از وظایف فراموش شده عالمان و متکلمان معاصر مسلمان است. امروز رسالت جهانی پیامبر گرامی اسلام(ص) را در دعوت به اخلاق جهانی به نحوی مؤثرتر می‌توان تحقق داد. به همین دلیل است که در آغاز مقاله، نظریه معجزه‌انگاری اخلاق نبوی را از نوع فعالانه در کلام اسلامی دانستیم. در جایی که قرآن یعنی معجزه نخست پیامبر(ص) را کلام نبوی می‌انگارند، می‌توان نظریه رفتار اخلاقی پیامبر(ص) را به عنوان معجزه و فعل الاهی خواند.

۶- نقد نظریه

نظریه معجزه‌انگاری اخلاق نبوی از جهات مختلفی قابل تأمل است:

۶-۱- آیا نبی پس از ادعای نبوت به خُلق و خوی خود به عنوان معجزه عقیب دعوا ارجاع داده است؟ روایاتی که صاحب نظریه به آنها استناد می‌کند و نیز آیاتی که مورد استشهاد قرار می‌گیرد دال بر کمال خُلق پیامبر(ص) و اهمیت آن است اما اشاره به معجزه بودن در آنها دیده نمی‌شود، مگر آنکه از ظاهر آیات و روایات فراتر رویم.

۶-۲- اگر تحدّی در این مورد را توسع بخشیم، وجود و کمالات نبوی، همگی جنبه اعجاز دارند و لذا تخصیص دادن این امر به خلق و خوی وی، تبیین روشنی نمی‌یابد.

۶-۳- تمایز بین دو ادعا، رهیافت روشنی را در نقد نظریه به میان می‌آورد: آیا همان‌گونه که معجزه و سایر ادله، دعاوی پیامبر(ص) را تأیید می‌کنند، خلق و خوی وی بر اثبات ادعای او دلالت دارد یا طریق دلالت خُلق نبوی بر صدق ادعای نبوت به جهت معجزه بودن آن است؟ استاد مطهری، معصوم نبودن را ملاکی برای ابطال

دعوت نبی می‌داند:

> اگر یک مدعی پیامبری، مرتکب گناه یا اشتباه شود و یا توانایی رهبری خَلق را نداشته باشد و یا دعوتش در مسیر سازندگی انسان‌ها نباشد، پیامش ارزش مطالبه دلیل و معجزه را ندارد. (مطهری، ۱۳۸۷: ۲، ۱۶۷)

پیشینیان در بحث نبوت خاصه و در مقام اثبات نبوت رسول گرامی اسلام(ص) که نظریه مورد بررسی ناظر به آن است، به خُلق و خوی آن حضرت به عنوان یک دلیل مستقل اشاره کرده‌اند. ظاهراً این دلیل را برای نخستین بار جاحظ صورت‌بندی کرده است و غزالی (۴۵۰-۵۰۵) در ***المنقذ من الضلال*** (۱۳۶۰: ۵۰-۵۳) و فخررازی (م.۶۰۶) در ***المحصل*** (۱۳۰۹: ۳۵۱) آن را مستند کرده‌اند. غزالی می‌گوید:

> خوی، کردار و سیرت پیامبر(ص) گواه صحت پیامبری اوست و اگر هریک از این ویژگی‌ها به تنهایی دلیل کافی بر اثبات پیامبریش نباشد، بی‌گمان مجموع آنها پیامبری وی را اثبات می‌کند. (غزالی، ۱۳۶۰: ۵۰-۵۳)

اخلاق نبوی را می‌توان به منزله یک دلیل اثبات ادعای نبوت و یا یک طریق جذب مؤمنان تلقی کرد و چنین نظری نزد پیشینیان وجود داشته است.[۱] اما ادعای معجزه بودن خُلق نبوی مبانی قابل نقد فراوانی دارد.

۷- نتیجه

اینکه «اخلاق، معجزه دوم نبوی است» نظریه‌ای مؤثر و قابل دفاع است. این نظریه توسعی در مفهوم معجزه به میان نمی‌آورد اما بر تحلیلی ژرف‌تر از اخلاق پیامبر(ص) استوار است. بر این اساس، اخلاق رسول خدا(ص) صرفاً به دست الاهی او تحقق می‌یابد و حتی دیگر انبیا نیز در این امر همتای او نیستند، اما این به معنای مشترک

---

۱. تفصیل سخن در این مقام را رجوع کنید به: فرامرز قراملکی، احد و سلمان ماهینی، **شرح جامع تجریدالاعتقاد** (بخش نبوت)، فصل نهم (زیر چاپ).

لفظی بودن اخلاق در اطلاق بر نبی و انسان‌ها نیست. این نظریه اهمیت اخلاق در آموزه‌های اسلام را رصد می‌کند و بر وجه حاجت بشر به اخلاق در آموزه‌های دینی تأکید می‌کند؛ نیازی که با ارایه الگویی اتم از اخلاق به وسیله اخلاق نبوی پاسخ داده می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم

۲. احمدی‌پور، مهدی و همکاران، ۱۳۸۵، ***کتابشناخت اخلاق اسلامی***، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

۳. بهشتی، احمد، ۱۳۸۷، ***«اخلاق معجزه دوم نبوی»***، درضمن: فرامرز قراملکی، احد، ***اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام***، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با همکاری دانشکده الاهیات دانشگاه تهران.

٤.ـــــــــــ، ۱۳۸۲، ***خانواده در قرآن***، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۵. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۹۹۹، ***وسایل‌الشیعه***، بیروت، مؤسسه التأریخ العربی

٦. حلی، نجم‌الدین، ١٤٢٤، ***المسلک فی اصول الدین***، تحقیق رضا استادی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

۷. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۵، ***سیره نبوی***، تهران، دریا.

۸ رازی، فخرالدین، ۱۳۵۹، ***المحصل***، در ضمن: طوسی، محمد، ***تلخیص المحصل***، تهران، به کوشش عبدالله نورانی

۹. طوسی، محمد بن الحسن، بی‌تا، ***تمهید الاصول***، ترجمه عبدالحسین مشکاةالدینی، تهران انجمن حکمت و فلسفه ایران

۱۰. غزالی، محمد، ۱۳٦۰، ***المنقذ من الضلال***، ترجمه صادق آیینه‌وند، تهران، امیرکبیر

۱۱. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۲، «***تأملی در اخلاق جهانی با تکیه بر بیانیه‌های سویدلر و هانس کونگ***»، نامه حکمت، شماره ۱.

۱۲. فیض کاشانی، محسن،۱٤۰۳، ***المحجة البیضاء***، بیروت، اعلمی

۱۳. قمی، عباس، ۱٤۱٦، ***سفینة البحار***، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

۱٤. قربانی، نیما، ۱۳۸٤، ***سبکها و مهارتهای ارتباطی***، تهران، تبلور

۱۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، ***مجموعه آثار***، ج ۲، تهران، صدرا.

۱٦. مولوی، جلال‌الدین محمد،۱۳۸٦، ***مثنوی معنوی***، تهران، امیرکبیر.

۱۷. نجفی، محمد حسن، ۱۳٦۵، ***جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام***، تهران، دارالکتب الاسلامیّه.